






به نام او



تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم / آقای سیده مریم بررسی تحت عنوان  
و ابع نمایی اوزاک صبی در دیدگاه، ملا صدرا

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد  
می کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	محمد سعید سلیم	دانشیار	
۲- استاد مشاور	رضا اکبری	دانشیار	
۳- استاد ناظر	عبدالله لاهی	دانشیار	
۴- استاد ناظر	دکتر حسن حسینی	استادیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر حسن حسینی	استادیار	

## آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمد‌های حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب سیده مریم موسوی دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.»

امضا سیده مریم موسوی  
تاریخ ۹۰/۸/۲۸

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه و کلام اسلامی است که در سال 1390 در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر محمد سعیدی مهر، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر رضا اکبری از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50% بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده 6: اینجانب سیده مریم موسوی دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: سیده مریم موسوی

تاریخ و امضا: 90/8/28



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه گرایش حکمت و کلام اسلامی

واقع‌نمایی ادراک حسی در دیدگاه ملاصدرا

نگارنده

سیده مریم موسوی

استاد راهنما

دکتر محمد سعیدی مهر

استاد مشاور

دکتر رضا اکبری

آبان ماه سال 1390

تقدیم به او که به مثابه **مجرای** برای تحقق خواست و اراده الهی

در این مسیر،

پشتیبانیم کرد:

**مهندس محسن شیری**

## چکیده

هدف از پایان نامه حاضر، بررسی این ادعا در دستگاه فلسفی ملاصدرا است که: ادراک حسی به مثابه قسمی از اقسام ادراک، می بایست شرط انطباق بر مدرک مادی خود را تأمین کند. آیا آنچه ضمن فرآیند ادراک حسی بر مدرک نمایانده می شود همان است که در متن عالم واقع موجود است؟ اگر چنین است، چرا و چگونه می توان یک نظریه منسجم و سازگار با دیگر مبانی و آموزه های صدرالمآلهین در زمینه واقع نمایی ادراک حسی ارائه کرد؟ در تذکار میزان اهمیت این مسأله همین بس که پذیرش یا عدم پذیرش «مطابقت ذهن بر عین» را می توان به عنوان یکی از مرزهای موجود میان شکاکیت و واقع گرایی قلمداد کرد. در این راستا، با تمرکز بر آثار خود ملاصدرا، ابتدا سعی بر جمع آوری مقدمات ضروری بحث از جمله «تعریف ادراک حسی» و «فرآیند حصول آن» کرده، پس از تحلیل و بررسی آنها، در فصل آخر، تلاش شده نظریه ای منسجم و سازگار با مقدمات پیشین، به نحوی ارائه گردد که از عهده حل مسأله واقع نمایی ادراک حسی برآید. در این میان نگاهی گذرا و درخور این رساله، به نظریات مرتبط در فلسفه ادراک حسی معاصر، نظیر نظریه التفاتی به عنوان نمونه ای از واقع گرایی مستقیم و نظریه داده حسی به مثابه نمونه ای از واقع گرایی غیرمستقیم، شده است؛ بدین امید که بتوان تصویری از نحوه ورود نظریه پردازان معاصر به چنین موضوعی بدست داده و در پرتو آشنایی اندکی که با آنها حاصل شده، بتوان با دیدی جدید در مطالب گذشتگان جستجو و کنکاش کرد. نتیجه آنکه، ملاصدرا را می توان به نحوی از طرفداران واقع گرایی غیرمستقیم قلمداد کرد. وی یک واقعیت مجرد مثالی را که به اعتباری وجود خارجی علم است و به اعتباری وجود ذهنی معلوم مادی، به عنوان واسزه میان ذهن و عین مادی در ادراک حسی معرفی می کند. این واسطه گرچه به لحاظ مشخصه های وجودی که داشته و دستگاه فلسفی که در آن نظام یافته است، از اشکالاتی که گریبانگیر «داده حسی» در معرفت شناسی معاصر، رها است اما خود به قدری مجرد و ماورائی تعریف شده که بیم آن می رود همین طبیعت ماورائی، فهمی از ادراک حسی عرضه کند که بسی دور از فهم متعارف و مقبول گردد. آیا اصلاً آگاهی از چنین موجودی ما را به ادراک حسی یک

شیء مادی می رساند؟ اگر پاسخ این سؤال در یک دستگاه فلسفی مثبت باشد، چنانکه هست احتمالا، آیا باز هم می توان ادراک مثال یک شیء مادی را پاسخگوی انتظاراتی دانست که فهم متعارف از ادراک حسی دارد.

کلید واژه ها:

واقع گرایی مستقیم، واقع گرایی غیرمستقیم، داده حسی، التفات گرایی، ادراک حسی، واقع نمای

ملاصدرا



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
<b>فصل اول: مقدمه و کلیات</b>	
1-1 مقدمه و طرح مسأله.....	2
2-1 سؤالات اصلی تحقیق.....	5
3-1 فرضیه های تحقیق.....	6
4-1 روش تحقیق.....	6
5-1 پیشینه تحقیق.....	7
6-1 سازمان تحقیق و مروری بر فصول آن.....	9
<b>فصل دوم: واقع گرایی مستقیم و غیرمستقیم در ادراک حسی از منظر معرفت شناسی جدید</b>	
مقدمه.....	13
1-2 واقع گرایی مستقیم.....	16
1-1-2 رویکرد التفاتی به ادراک حسی.....	19
1-1-1-2 معناشناسی واژه «التفات».....	19
2-1-1-2 محتوای التفاتی ادراک حسی.....	20
3-1-1-2 التفات گرایی و اصول «بازنمودی»، «شیئیت پدیدار» و «مشابهت کیفی».....	28
4-1-1-2 تبیین التفات گرایان از ادراک حسی.....	32
5-1-1-2 توجیه التفات گرایان از «ارتباط ذهن با عین» در ادراک حسی.....	32
2-2 واقع گرایی غیرمستقیم.....	34
1-2-2 نظریه داده حسی.....	35
1-1-2-2 تعریف داده حسی.....	35

38.....	2-1-2-2	براهین داده حسی.....
48.....	3-1-2-2	اشکالات وارد بر نظریه داده حسی.....
52.....		نتیجه گیری و جمع بندی مطالب فصل.....
		<b>فصل سوم : تعریف ادراک حسی</b>
57.....		مقدمه.....
57.....	1-3	حقیقت علم و ادراک.....
58.....	1-1-3	علم اضافه نیست.....
60.....	2-1-3	علم کیفیت ذات اضافه نیست.....
61.....	3-1-3	علم صورت حاصل نزد نفس نیست.....
63.....	4-1-3	علم وجود است.....
64.....	1-4-1-3	علم مفهوم ماهوی نیست.....
66.....	2-4-1-3	علم حقیقت وجودی است.....
67.....	3-4-1-3	شرط تحقق علم: حضور یا تجرد.....
70.....	2-3	حس به مثابه قوه ای از قوای نفس.....
70.....	1-2-3	حقیقت نفس.....
71.....	2-2-3	نفس حیوانی: مرتبه ای از مراتب نفس انسانی.....
72.....	3-2-3	قوه حس ظاهر: قوه ای از قوای نفس حیوانی.....
74.....	4-2-3	مدرک محسوسات: نفس در یگانگی با قوه حاسه.....
75.....	3-3	تعریف ادراک حسی.....
75.....	1-3-3	حقیقت ادراک حسی وجودی مجرد است.....
77.....	2-3-3	تبیین اصطلاح فلسفی «ادراک حسی».....
78.....	3-3-3	شرط تحقق ادراک حسی.....

- 78.....4-3-3 تمثیل صور اشیاء مادی نزد نفس به وجود ذهنی: لازمه وقوع ادراک حسی
- 78.....1-4-3-3 تعریف وجود ذهنی
- 79.....2-4-3-3 تبیین وجود ذهنی
- 82.....3-4-3-3 معلوم بالذات و معلوم بالعرض در وجود ذهنی
- 85.....نتیجه گیری و جمع بندی مطالب فصل

### فصل چهارم: فرآیند حصول ادراک حسی

- 89.....مقدمه
- 90.....1-4 نفی ادراک حسی نسبت به اجسام و اعراض جسمانی
- 93.....2-4 اتحاد حاس و محسوس
- 102.....3-4 ابصار
- 103.....1-3-4 نظریه خروج شعاع
- 104.....2-3-4 نظریه انطباع
- 104.....3-3-4 نظریه علم حضوری اشراقی به مبصر مادی
- 105.....4-3-4 نظریه انشاء
- 106.....نتیجه گیری و جمع بندی مطالب فصل

### فصل پنجم: واقع نمایی ادراک حسی

- 111.....مقدمه
- 112.....1-5 پذیرش واقع گرایی در فلسفه ملاصدرا
- 112.....2-5 نفی واقع گرایی مستقیم در فلسفه ملاصدرا
- 114.....3-5 پذیرش واقع گرایی غیرمستقیم در فلسفه ملاصدرا
- 115.....1-3-5 واقع گرایی غیرمستقیم صدرایی
- 116.....1-1-3-5 واقعیت علم: واسطه بین عالم و معلوم خارجی

118.....	2-1-3-5 واقع‌نمایی ادراک حسی بر اساس مبانی ملاصدرا.....
121.....	3-1-3-5 نقد و بررسی.....
123.....	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب فصل.....
125.....	نتیجه‌گیری، آزمون فرضیات و ارائه پیشنهادات.....
133.....	فهرست مراجع.....

فصل اول:

مقدمه و کلیات

## 1-1 مقدمه و طرح مسأله

معرفت شناسی آنچنانکه امروزه به عنوان شاخه ای از فلسفه به معنای عام آن، مطرح است در روزگاری که فلسفه اسلامی شکل می گرفت و به اوج خود می رسید، وجود نداشت. اما این بدان معنا نیست که مباحث و مسائل معرفت شناسی نیز جایی در فلسفه اسلامی نداشته باشد. برخی مسائلی که امروزه دغدغه معرفت شناسان است در گذشته نیز ذهن ملاصدراها را به خود مشغول داشته و لذا باب بحث و تحقیق درباره حداقل پاره ای از مسائل معرفت شناسی در فلسفه اسلامی نیز باز است. شاهد بر این مدعا کلیه مباحثی است که به نحوی به مسأله علم و ادراک مربوط می شود. ملاصدرا در باب ادراک نظریه خاصی داشته و به مراتب سه گانه یا چهارگانه ادراک، بسته به اینکه ادراک وهمی قسمی جداگانه منظور شود یا نه، قائل است. اما قدر مسلم آن است که وی ادراک حسی را مرحله ای، قسمی یا نوعی از ادراک می داند. ملاصدرا در فرازهای متعددی به مسأله علم و ادراک پرداخته که از آنجمله می توان به «بحث وجود ذهنی»، «بحث اتحاد عاقل و معقول»، «بحث ابصار»، «بحث نفس شناسی و قوای نفس» و «بحث مساوقت علم و وجود» اشاره کرد که هر یک به تناسب حال به نحوی با ادراک حسی نیز مرتبط می باشند.

فلاسفه مسلمان به دلیل التزام به مقولات ارسطویی می بایست مشخص کنند که علم به عنوان یک واقعیت خارجی معقول ثانی است یا معقول اول؟ اگر معقول اول است جوهر است یا عرض و اگر عرض است از کدام قسم می باشد؟ طبق دیدگاه معروف علم عرض و از قسم کیف نفسانی است که عارض بر جوهر نفس می شود. اما ملاصدرا در باب ماهیت/ وجود شناسی علم نظریه خاصی داشته و از

علم تفسیری وجودی ارائه می دهد. وی علم را از سنخ وجود و به حضور مجرد برای مجرد تعریف می کند. به نظر ملاصدرا «علم مساوق وجود» بوده و متناظر با هر مرتبه از وجود قائل به مرتبه ای از علم است. لذا موجودات مادی حتی جمادات و عناصر نیز، به لحاظ بهره ای که از وجود دارند حظی از علم هم برده اند؛ ولو به تناسب نقصان و محدودیت وجودی شان این علم ناقص و محدود باشد. از طرفی ماده ملاک و مناط غیبت است و علم حضور می طلبد لذا چنین نتیجه می شود که ماده نه عالم است و نه معلوم. صرفنظر از ناسازگاری که ظاهرا بین دو فراز بالا دیده می شود، که از طرفی در تمام مراتب وجود منجمله مرتبه مادی علم هست و از طرفی ماده عالم نیست، آنچه به بحث این پایان نامه مرتبط تر می نماید آن است که ماده معلوم هم نیست. اگر ماده معلوم نباشد آنگاه محسوسات نیز به ادراک در نمی آیند و بدین ترتیب ادراک حسی و اعتبار آن زیر سؤال خواهد رفت.

اگر علم به دو قسم حصولی و حضوری تقسیم شود و اگر بپذیریم که ملاصدرا ادراک حسی را از سنخ علوم حضوری نشمرده آنچنانکه شیخ اشراق بدان معتقد است، پس می توان در بدو امر چنین برداشت کرد که ادراک حسی در حکمت متعالیه علمی حصولی است. علم حصولی پای «نظریه وجود ذهنی» را به میان می کشد که در آن دو ادعا مطرح است. اول اینکه در علم حصولی چیزی در ذهن موجود می شود. دوم آنکه شیء موجود شده در ذهن شبیح نیست بلکه شأن کاشفیت و حکایت از خارج دارد. از طرفی واقع نمایی صور ذهنی بدون قول به اتحاد ماهوی میان شیء خارجی و شیء موجود شده در ذهن امکانپذیر نمی نماید. و این خود موجب بروز اشکالاتی نظیر انطباق کبیر در صغیر، لزوم عرضیت ماهیات جوهری و کیف گشتن کمیات به هنگام تصور موجودات خارجی منجمله محسوسات و حصول ادراک حسی، می شود. بنابراین چنین به نظر می رسد که نظریه وجود ذهنی یکی از راههای موجود برای نشان دادن واقع نمایی ادراک حسی باشد البته این امر کاملا بسته به آن است که ادعای دوم مبنی بر واقع نمایی صور ذهنی تا چه اندازه مدلل گشته و شبهات مذکور تا چه حد به طرز قابل قبولی رد شده باشند.

یکی دیگر از مباحث مرتبط با بحث ادراک در فلسفه ملاصدرا، «نظریه اتحاد عاقل و معقول» است که آن را در مرتبه حس نیز جاری دانسته و قائل به اتحاد حس و حاس و محسوس می شود. البته اینکه این نظریه تا چه حد در آشکارسازی واقع‌نمایی ادراک حسی مفید فایده باشد ضمن تحقیقات بیشتر و در جریان کار مشخص تر خواهد شد.

در مباحث مربوط به «نفس و نفس شناسی» با این مطلب مواجه می شویم که ملاصدرا نفس را نه پذیرنده ای منفعل نسبت به صور محسوسات بلکه آن را خالق و مبدع آنها در ادراک حسی می داند. نفس در ایجاد صور حسی، «سمت خلاقیت» دارد؛ فاعل است نه منفعل. به نظر می رسد هر چه قدر که نظریه وجود ذهنی راه را برای نشان دادن عینیت ذهن و عین باز می کرد، نظریه خلاقیت نفس در این راستا می تواند مشکل آفرین باشد. اگر صور حسی مخلوق و محصول ابداعی نفس هستند چه تضمینی بر عینیت و اگر فرض بر عینیت است پس چه نیازی به خلاقیت؟

به هر ترتیب ملاصدرا ادراک حسی را به عنوان مرتبه ای یا نوعی از ادراک معتبر شمرده و بر آن است که علم و ادراک بشری ریشه در حواس وی دارد. لذا می توان ادراک حسی را به نوعی مقدم و مبنای منظومه ادراک انسانی دانست. اما علم بودن علم در فلسفه اسلامی به کاشفیت و واقع نما بودن آن است. بنابراین هر خدشه ای که به اعتبار و صحت ادراک حسی به مثابه زیربنای ادراک بشری وارد آید کل منظومه ادراک را متزلزل خواهد کرد؛ لذاست که واقع‌نمایی ادراک حسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در معرفت شناسی معاصر نیز دیده می شود که در باب ماهیت ادراک حسی و واقع‌نمایی آن نظریات متعددی مطرح شده که از آن میان واقع‌گرایی معرفت شناختی بر این عقیده است که معرفت نسبت به جهان خارج ممکن بوده، عالم خارج مستقل از معرفت بشری وجود دارد و معرفت ما توصیفی از آن می باشد. واقع‌گرایی معرفت شناختی خود اقسامی دارد که از آنجمله است:

1. واقع‌گرایی مستقیم (*direct realism*): متعلق بی واسطه ادراک ما، اشیای فیزیکی است که مستقل از آگاهی ما نسبت به آنها وجود دارند. به عبارت دیگر هیچ نوع داده حسی میان ما و جهان



خارج واسطه ادراکی قرار نمی گیرد. مواردی نظیر خطاهای حسی (illusion) و توهمات (hallucination) برای این نوع واقع گرایی دشواری ساز بوده و منجر به پیدایش نظریاتی نظیر واقع گرایی غیر مستقیم شده اند.

2. واقع گرایی غیر مستقیم (indirect realism): متعلق مستقیم در ادراک حسی داده حسی (sense datum) است که مستقل از آگاهی ما تحقق ندارد. جهان فیزیکی نه تنها مستقل از ادراک های حسی ما تحقق دارد بلکه خود علت ادراکات حسی ما است.

به هر حال در حکمت متعالیه در باب ادراک حسی این مسأله مطرح است که ملاصدرا واقع نمایی ادراک حسی را چگونه تبیین می کند و تا چه اندازه در واقع، واقع گرا بوده و با توجه به تقسیمات جدیدی که در واقع گرایی معرفت شناختی مطرح شده، دیدگاه ملاصدرا در کدامیک از این دسته ها جای می گیرد، اگر که اصلاً در دسته ای جای می گیرد؟

## 2-1 سؤالات اصلی تحقیق

1. در فلسفه ادراک حسی، آیا می توان ملاصدرا را یک واقع گرا محسوب کرد؟
2. اگر ملاصدرا واقع گرا است، آیا واقع گرایی وی در دسته بندی های مطرح در معرفت شناسی جدید، جای می گیرد؟
3. آیا می توان با توجه به مبانی فلسفی ملاصدرا، یک نظریه منسجم و سازگار در باب ادراک حسی و واقع نمایی آن، ارائه کرد؟

### 3-1 فرضیه های تحقیق

1. ملاصدرا نیز مانند دیگر فلاسفه مسلمان قائل به وجود اشیاء مادی در عالم خارج، مستقل از ذهن ادراک کننده می باشد. لذا چنین به نظر می رسد که ملاصدرا را بتوان از جمله واقع گرایان محسوب کرد.
2. در بدو امر چنین به نظر می آید که نظریه ملاصدرا با هر یک از واقع گرایی مستقیم، واقع گرایی غیرمستقیم وجوه مشترکی دارد. اما با اندکی تأمل تفاوت‌های نظر ملاصدرا با هر یک، به لحاظ دیدگاه خاص وی در باب هستی شناسی، آشکار خواهد شد و بالتبع پیدایش نوعی واقع گرایی معرفت شناختی خاص خود ملاصدرا ناگزیر خواهد بود اگر اساساً واقع گرایانه بودن نظریه وی در باب ادراک حسی و سازگاری آن معلوم گردد.
3. قول به اتحاد ماهوی میان عین خارجی و صورت ذهنی آن در بحث وجود ذهنی به نظر راه حلی مناسب می رسد مشروط بر آنکه از حد ادعا خارج شده و نظریه ای مدلل و در سازگاری با خلاقیت نفس تبیین شده باشد.

### 4-1 روش تحقیق

در این پایان نامه قصد بر آن بوده که با روشی توصیفی-تحلیلی موضوع بررسی گردد؛ بدین معنا که ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه ای موجود، به گردآوری مقدمات بحث پرداخته، سپس، در حد توان، بر اساس تحلیل مقدمات مذکور، سعی در ارائه راهی برای حل مسأله، یعنی واقع نمایی ادراک حسی در دیدگاه ملاصدرا، داشته ایم.

## 5-1 پیشینه تحقیق

ادراک حسی از منظر ملاصدرا موضوعی است که کمابیش توجه محققان را تاکنون به خود جلب کرده است اما این بار در این پایان نامه قصد بر آن است که با نظر به برخی از اقسام واقع گرایی معرفت شناختی، از زاویه ای جدید بدان نگریسته و با این ذهنیت در مقوله مذکور کنکاش شود که فلسفه ملاصدرا تا چه میزان مطابقت با واقع در ادراک حسی را تضمین می کند. پیشینه تحقیق حاضر را می توان در دو دسته کلی طبقه بندی کرد: پایان نامه ها و مقالات.

### رساله ها و پایان نامه ها:

پایان نامه ها و پایان نامه هایی که به نحوی با موضوع این نوشتار مرتبط می باشند عبارتند از:

1. «تحلیل انتقادی ادراک انسانی در حکمت متعالیه»، تألیف حوران اکبرزاده، به راهنمایی محسن کدیور، مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، 1387.

مؤلف محترم در این پایان نامه تلاش کرده تا دیدگاه ملاصدرا را در تمام مراتب ادراک، به ویژه ادراک عقلی، در مقابل نظریه های رقیب ابن سینا و شیخ اشراق قرار داده، نقاط اشتراک و افتراق آنها را در حد توان مطرح کند. در نهایت به تحلیل و نقد نظریه ملاصدرا در باب ادراک انسانی پرداخته است. اما در این اثنا به ادراک حسی تنها به مثابه قسمی از اقسام ادراک نظر شده و مهتر آنکه به واقع نمایی آن پرداخته نشده است.

2. «مسأله ادراک از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا»، تألیف سحر کاوندی، به راهنمایی آیت الله حسن مصطفوی، مقطع دکتری، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، 1381.

مؤلف محترم در این پایان نامه، مراتب ادراک را از دیدگاه دو فیلسوف نامبرده مورد بررسی قرار داده اما تمرکز بیشتری بر ادراک عقلی داشته و به رویکردهای متعدد ملاصدرا در ادراک عقلی اشاره کرده است.

3. «کیفیت حصول ادراکات و اعتبار آنها در حکمت متعالیه (ملاصدرا، علامه طباطبائی)». تألیف زینب مبصری، به راهنمایی دکتر احمد فرامرزی قراملکی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، 1383.

در پایان نامه مذکور، به نحوه پیدایش ادراک در آدمی از نظر حکمت متعالیه به نحو اجمالی و توصیفی پرداخته شده است. اما به واقع نمایی ادراک حسی توجهی نشده است. در واقع تنها با فصل چهارم از این نوشتار اشتراکاتی دارد.

4. «بررسی و نقد مسأله ادراک عقلی در حکمت متعالیه (با تأکید بر آراء ملاصدرا، حکیم سبزواری، علامه طباطبائی)»، تألیف سعیده فخار نوغانی، به راهنمایی دکتر محسن کدیور، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، 1386.

مؤلف محترم در این پایان نامه به بررسی چیستی ادراک و کلیات پیرامون آن و فرآیند مراتب آن پرداخته است. تمرکز وی بیشتر بر ادراک عقلی و مسأله اتحاد عاقل و معقول بوده است پرچه سایر مراتب ادراک را به نحو اجمالی و استطرادی بیان کرده است. لذا پایان نامه مذکور، در فصول سوم و چهارم اشتراکاتی جزئی داشته و به مسأله اصلی این نوشتار، واقع نمایی ادراک حسی، نپرداخته است.

5. «نقد و ارزیابی نظریه معرفت شناسی «داده حسی»»، تألیف عبدالرسول کشفی، به راهنمایی احمد احمدی، مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، 1379.

مؤلف محترم در این پایان نامه، به تحلیل انتقادی نظریه داده حسی، ضمن دو تقریر آن، یعنی اصالت پدیدار و واقع گرایی غیرمستقیم، پرداخته و از تقریر واقع گرایی غیرمستقیم آن در برابر واقع گرایی مستقیم و تقریر پدیدارگرایانه آن، دفاع می کند. این پایان نامه در فصل دوم با نوشتار حاضر اشتراکاتی دارد.

#### مقالات :

مهم ترین مقالات مرتبط با نوشتار حاضر عبارتند از: